

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی کلام شیخ مفید

در جلسات قبل در محضر روایات و آیاتی بودیم و همچنین کلمات برخی علماء مثل شیخ صدوق و شیخ مفید و اختلاف بین ایشان را بیان کردیم که استاد نقل گرا و شاگرد عقل گرا می باشند. مرحوم مفید بخاطر جنبه کلامی که داشت زیر بار احادیث استاد خود نرفته و آنها را دو توجیه کردند .

اول به اعتبار فهمنده توجیه کرد، فرمودند: اگر عالمی باشد می تواند وارد شود ولی عوام نباید وارد شوند. دوم به اعتبار حوزه فهم بود، فرمود: اگر حوزه فهم قضا و قدر بعنوان فعل خداوند باشد اشکال ندارد ولی اگر به اعتبار کیفیت خلق و علت خلق و در واقع فلسفه احکام و فلسفه خلق که حاصلی ندارد باشد، نباید وارد شد ولی قدر مسلم این بود که اطلاق ادله را برای همه ی کس و همه ی حوزه ها نپذیرفت.

بررسی کلام مرحوم مفید

اگر به اعتبار فهمنده تقسیم کنیم با برخی روایات مخالف است. در روایت علی بن بلال که خدمت امام هادی علیه السلام نوشت که متکلمین احادیث نهی را توجیه می کنند و می گویند این مخصوص غیر محسن است- محسن یعنی عالم . کسی که نیکو می فهمد- امام علیه السلام فرمودند: فرقی بین محسن و غیر محسن نیست و این وادی، وادی خطرناکی است علاوه بر این که برخی بزرگان از جمله مرحوم آخوند، هم که وارد این حوزه ها شدند موفق نبودند. مرحوم مجلسی همین سخن را دارند. ایشان در رد بر شیخ مفید می فرماید بزرگان در بحث جبر و اختیار متوقف شده اند. این بحث به بحث های فلسفه جزاء و فلسفه جرم و جرم شناسی مربوط است که در آنجا خیلی مباحث مفصلی وجود دارد. یعنی این نزاع جبر و اختیار، قضا و قدر فقط یک بحث اسلامی نیست، بلکه بحث جهانی است. خیلی ها معتقدند ما مجرم نداریم آنچه داریم جرم است. جرم بدون مجرم مثل وجود مصدر بدون وجود اسم فاعل. جرم یعنی ناهنجار که وجود دارد ولی مجرم عنوان قصدی و تعدد می خواهد؛ مثل اشاعره که گویند: اگر شخصی که در این موقعیت قرار گرفته است، محیطی که در آن بزرگ شده است از خانه و مدرسه و... را در نظر بگیریم که هر کس جای او بود همین کار را می کرد؛ البته آنها از لقمه و صلب و رحم شروع نمی کنند بر خلاف اسلام که از لقمه شروع می کند. به نظر ما جناب مفید حرفشان بخلاف نصوص و تجربه است.

بیان چند نکته:

اولاً: بخشی از این روایات گاهی ناظر به این است که شما در این مسائل جازم نشوید. یعنی همین که انسان اظهار نظر جزمی نکند بخشی از راه را رفته است . در مکاسب مرحوم شیخ در تنجیم می گوید: در تنجیم وارد نشوید ولی بعد که می خواهد روایات را جمع کند، می گوید: بخشی از این روایات ناظر به کسی است که اظهار نظر قطعی بکند.

دوما: اولویت ها را در نظر بگیرید. برخی از این روایات نهی صریح نبود ولی اولویت را باید دقت کرد. مثلاً روایتی بود که می فرمود: خداوند در قیامت از تکالیف سؤال می کند یعنی ببینید خدا از چی سؤال می کند شما دنبال همان ها باشید.

سوما: گاهی انسان وارد حوزه معارف مثل توحید می شود که جنبه مافوق العرشی دارد منتهی با نگاه مادون العرشی یعنی وقتی می خواهد قدرت خدا را بفهمد از طریق طبیعت می فهمد یا حکمت یا لطف یا رحمت خداوند را گاه از آیات الهی شروع می کند ولی گاهی نگاهش به ذات خدا است عقل هم - با آن مبنای فلسفی عقلی که گفتیم اگر عالمی بخواد معلومی را تصور کند باید در حد معلوم باشد- آنطور که باید نمی تواند از خدا یا صفات خدا تصور کاملی داشته باشد.

چهارما: ما ضرورت ها را هم نباید نادیده بگیریم. چرا شیخ مفید وارد بحث قضا و قدر شد و چرا شیخ صدوق وارد نشد؟ شیخ صدوق در محیط یک دست قم که یکپارچه شیعه، همه مطیع اهل بیت اند، می باشد که بحث جبر و تفویض نیست، ولی شیخ مفید در محیط بغداد است که از یک طرف جبر و از طرفی تفویض و از طرف دیگر اشاعره وجود دارند می باشد و جهان اسلام است و بغداد؛ ضرورت خود بخود او را به سمت و سوئی می کشد. نباید فراموش کرد که روایات در فضای اولی به نحو اقتضاء است و الا ممکن است فضائی به وجود بیاید که یک عالم ناچار باشد حوزه هایی که طبع اولی اسلام این است که وارد نشویم وارد شود؛ لذا عمل علماء ما توجیه می شود.

الحمد لله رب العالمین